**نقد ادبی: تصحیف «درفش» به «درخت» در ترجمه تفسیری طبری**

**خالقی مطلق، جلال**

در ترجمهء تفسیر طبرى(تصحیح حبیب یغمائى،چاپ دوم،تهران 1356،ج 5،ص‏ 1154 به بعد)آمده است:«و آن چوب که آن دستار بر سر آن کرده بودند آن را درفش کاویان نام کردند و مبارک داشتند و هرگاه به مصافى رفتندى آن درفش کاویان در پیش داشتندى و آن مصاف بشکستندى و آن را به خزینه بنهادند و گفتندى که این مبارک‏ است...گروهى گویند که آن درفش چوبى بود و انبانى،و گروهى گویند که چوبى بود و دستارى.و چون آن درفش را پیش امیر المؤمنین عمر رضى اللّه عنه بردند بفرمود تا آن را بسوختند.و درخت به زبان پهلوى علم باشد.»

در عبارت آخر درخت به دلایل زیر تصحیف درفش است:

1-محتمل است که در پایان عبارت درفش را که قبلا چهار بار از آن نام برده به لفظ مترادف علم معنى کرده و گفته بوده است:و درفش به زبان پهلوى علم باشد.ولى کاتب‏ سهوا درفش را درخت نوشته است.

2-اگر مى‏خواست بگوید که درخت در زبان پهلوى به معنى علم است،برطبق دستور نگارش نخست از واژه‏اى نام مى‏برد که قبلا درباره‏اش شرح داده است و سپس معنى آن را به پهلوى مى‏آورد.یعنى مى‏گفت:و درفش به زبان پهلوى درخت باشد،و نه:و درخت به زبان‏ پهلوى علم باشد(و نیز نگاه کنید به شماره‏هاى 4 و 5).

3-یکى(یا چند تائى)از دستنویس‏ها به جاى درخت ضبط درفش دارند که مصحح آن‏ را به حاشیه برده است،ولى احتمال داده است که ضبط درخت در متن ظاهرا اشتباه کاتب است.

4-عین این روایت در تاریخ بلعمى(تصحیح محمد تقى بهار،چاپ دوم،تهران 1353، ج 1،ص 148)آمده است و در آنجا نیز درفش و علم گفته و نه درخت:«...و هرکسى‏ چیزى بران همى کردى از گوهر و یاقوت و جواهر الوان تا چندان برو کردند که پوست ناپدید گشت،تا وقت یزدگرد شهریار آخر ملوک عجم آن درفش کاویان خواندندى،و معنى‏ درفش بر زبان پهلوى علم باشد.»

5-این روایت در التّنبیه و الاشراف مسعودى(تصحیح عبد اللّه اسماعیل الصاوى،بغداد 1937،ص 75 به بعد)نیز آمده است و در آنجا نیز درفش و رایت آمده و سخنى از درخت نیست:«و تیمنوا بتلک الرایة فسمیت درفش کابیان اضافة الى کابى صاحبها،و الدرفش بالفارسیة الأولى الرایة.»

6-در دیگر متون فارسى نیز جائى درخت را در معنى درفش به کار نبرده‏اند،ولى در شاهنامه درفش مانند خیلى چیزهاى دیگر به درخت تشبیه شده است و تفاوت البته روشن است و از توضیح بى‏نیاز.

7-در متون پهلوى که هم درفش به کار رفته است و هم درخت،هیچیک در معنى‏ دیگرى به کار نرفته است.

8-در فرهنگهاى فارسى درخت را در معنى درفش ثبت نکرده‏اند.

در اثر سهو کاتبان،تفنن یا اظهار فضل واژه‏تراشان و کم دقتى فرهنگنویسان تعداد زیادى‏ واژه‏هاى دساتیرى و من درآوردى به فرهنگهاى فارسى راه یافته است.شاید این یادداشت سبب‏ شود که یکى دیگر بر تعداد آنها افزوده نگردد.

\*